

## بررسی برخی وجوه اشتراک و افتراق داستان های کوتاه صادق چوبک و ارنست

### همینگوی

افسانه صحتی گرگان\*

شادمان شکروی\*\*

### چکیده

صادق چوبک از جمله بینانگذاران داستان کوتاه در ایران است. وی نویسنده ای توانمند و تاثیر گذار در تاریخ ادبیات داستانی ایران بوده است. به همین ترتیب نقش ارنست همینگوی از نقطه نظر تاثیر در شکل گیری داستان کوتاه به عنوان یک قالب جدی هنری در جهان انکار ناپذیر است چوبک برخی داستان های کوتاه خود را کاملاً به سبک همینگوی نوشته است. علاوه بر این تاثیر همینگوی حتی در رمان او ( تنگسیر ) مشهود است. با اینحال به طور طبیعی برخی از ویژگی های داستان نویسی او چه در بعد اندیشه و چه تکنیک با همینگوی متفاوت است در این بررسی هدف آن است که وجوه مشترک و متفاوت شیوه نویسندگی چوبک در مقایسه با ارنست همینگوی مورد توجه قرارگیرد. بررسی داستانها و مقایسه آنها در دو بعد درونمایه و ساختار انجام گرفته است. نتایج نشان داده است که صادق چوبک نخستین نویسنده ایرانی است که به گرتنه برداری از ارنست همینگوی پرداخته است. عینی گرایی، استفاده از ضد قهرمان ها و بکارگیری شیوه نگارشی خاص همینگوی، از موارد عمده شباهت میان برخی آثار دو نویسنده است. از وجوه مهم تفاوت دو نویسنده یکی عدم پیروی چوبک از یک سبک واحد، دیگری درونمایه های آشکار و صریح داستان های چوبک و در نهایت گرایش چوبک به داستان هایی با لایه های سطحی روانشناختی است که در آثار همینگوی قابل مشاهده نیست. ضمن اینکه چوبک نیز مانند بسیاری از پیروان همینگوی در درک عمیق شیوه نگارشی او موفق نبوده و تنها به گرتنه برداری سطحی پرداخته است.

**واژه های کلیدی:** صادق چوبک، داستان کوتاه، درونمایه، ساختار، ارنست همینگوی

\*عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

\*\*عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

ارنست همینگوی و صادق چوبک هر دو مشهور تر از ان هستند که نیاز باشد مقاله را با ذکر زندگی نامه و یا ویژگی های هنری آن ها آغاز کرد. در این زمینه کتاب ها و مقالات شایسته ای نگاشته شده که خواننده در صورت تمایل می تواند بدان ها مراجعه داشته باشد.<sup>۱</sup> اگر سخنی به اختصار لازم باشد آن است که داستان نویسی مدرن به معنی واقعی که البته از افرادی نظیر آنتوان چخوف روس آغاز گردید در آثار ارنست همینگوی شکل فراگیر پیدا کرد و جامعه ادبی جهانی درس های زیادی از نثر همینگوی آموخت. دقت در مشاهده، ظرایف توصیف، استفاده از لایه های درونی داستان، نظم و انضباط در نگارش نثر و شاید مهم تر از همه، توانایی و شکوهی که در قالبی به نام داستان کوتاه نهفته است.<sup>۲</sup>

صادق چوبک نیز از بینان گذاران داستان کوتاه مدرن در ایران است. از این نظر ادبیات ایران، مدیون طبع آزمایی های او در شیوه های مختلف و گرده برداری های او از نویسندگان متفاوت غرب است. بویژه اینکه اکثر این نویسندگان پیش از آن برای جامعه ادبی ایران ناشناخته بوده اند. بدین ترتیب بعد از صادق هدایت، این چوبک بود که باب ورود ادبیات غنی غرب ( در زمینه داستان نویسی و بخصوص داستان کوتاه ) را برای جامعه ایرانی باز کرد و سبب تولد نسل جدید نویسندگان ایرانی گردید. علاوه بر این، منتقدین و علاقه مندان ادبیات داستانی از طریق مطالعه داستان های چوبک، به سوی استادان غربی وی، هدایت شدند و از این طریق باب مطالعه و تجزیه و تحلیل در داستان های افرادی مانند آنتوان چخوف، ادگار آلن پو، گای دو موپاسان، ارنست همینگوی، جان دوس پاسوس، گرتروود استاین، شروود اندرسن، د. اچ. لارنس و دیگر استادان داستان کوتاه گشوده گردید.<sup>۳</sup> عده ای چوبک را یک ناتورالیست صرف می دانند. شواهد زیادی می تواند این ادعا را تقویت کند ولی حداقل در بعد ساختاری، چوبک به نویسندگان غیر ناتورالیست نظیر ادگار آلن پو، آنتوان چخوف و ارنست همینگوی، عنایت زیادی داشته است. شاید به همان اندازه که به موپاسان و استادان مکتب فکری او مثلا امیل زولا. اما در مورد همینگوی، گرده برداری چوبک در مواردی به قدری آشکار است که نیازی به

شرح و تفصیل و استدلال ندارد. قطعات زیر می تواند ورای هر نوع استدلال، گواهی بر تاثیر پذیری عمیق چوبک از همینگوی باشد :

۱- از نخل کبکاب خیلی خوشش آمده بود. از باروری و نیرومندی و کنده کلفت آن خوشش آمده بود. بعد با پوست سینه اش مهار سیمی را از تو جیب عرق خشکانده پیراهن خود حس کرد. می دانست مهار آنجاست. از وقتی که آن را تو جیب پیراهنش گذاشته بود، آن را روپوست سینه اش حسی می کرد. گرسنگی و خستگی از یادش رفته بود. به سایه های دراز نخل و به ورقه آفتاب رنگ پریده نازکی که رو به زمین افتاده بود نگاه می کرد و می دانست که آفتاب دارد تو دریا تله می شود ( چوبک، ۱۳۷۷: ۴۲ )

۲- حالا دیگه رفیق شدیم خیلی باید ببخشی. تو خودت می دونی که بات رفیقم. اذیت کردم، اگر تو هم جای من بودی، ناچار بودی همین کار را بکنی، اگه ولت کرده بودم میترکیدی... ( چوبک، ۱۳۷۷: ۲۷ )

۳- هر دو خاموش شدند. موج های سنگین قیرآلود به بدنه ی ساحل می خورد و برمی گشت تو دریا و پف نم های آن تو ساحل می پاشید. و صدای خراب شدن موج ها منگ کننده بود. و آسمان و دریا مست کرده بودند. و دل هوا بهم می خورد. و دل دریا آشوب می کرد. و آسمان داشت بالا می آورد. و صدای رعد مثل چک تو گوش آدم می خورد و از چشم آدم ستاره می پرید. و موج ها رو سر هم هوار می شدند ( چوبک، ۱۳۸۷: <http://aliaram.com> )

۴- بخار تنکی از سوراخ های بینی اسب بیرون می آمد. از تمام بدنش بخار بلند می شد. دنده هایش از زیر پوستش دیده می شد. روی کفلش جای یک پنج انگشت کل خشک شده داغ خورده بود. روی گردن و چند جای دیگر بدنش هم گلی بود. بعضی جاهای پوست بدنش می پرید. بدنش به شدت می لرزید. ادا" ناله نمی کرد. قیافه اش آرام و بی التماس بود. قیافه یک اسب سالم را داشت و با چشمان گشاد و بی اشک به مردم نگاه می کرد ( چوبک، ۱۳۷۸: ۱۳۸ )

دو نمونه اول، به طور واضح پیرمرد و دریای همینگوی را به یاد می آورد. نوع استفاده از جملات، عینی گرایی و در عین حال انتقال حس از طریق جملات کوتاه و گذرا در لابلای جملات عینی که به شیوه ای صریح و در عین حال ساده و دقیق نگاشته شده اند، شیوه ای است که همینگوی در نگارش پیرمرد و دریا از آن استفاده کرده است ( نمونه ۱ ). گفتگوی شخصیت اصلی داستان

تنگسیر با خود و آنچه در رابطه با صید به خود می گوید، به طور کامل بازگویی گفتگوی سانتیاگوی داستان پیرمرد و دریای همینگوی با خود در هنگام جنگ و ستیز با ماهی است ( شماره ۲). علاوه بر این هنگامی که شخصیت تنگسیر ترحم انگیز و به نوعی با بیانی کاملاً عرفانی با صید خود سخن می گوید، سخن گفتن سانتیاگو با ماهی هنگامی که ظاهراً در شرف تسلیم و مرگ است در ذهن تداعی می گردد ( شماره ۲).

استفاده همینگوی ( استفاده تقریباً منحصر بفرد وی ) از حروف ربط متوالی و بهم پیوستن جملات توصیفی ظاهراً غیر مرتبط از طریق حرف ربط، مشهور و به نوعی بخشی از اسلوب هنری همینگوی شناخته می شود. چوبک در برخی داستان های خود این شیوه را به کار گرفته است. در نمونه ذکر شده این شیوه صریح به نحوی استادانه به کار گرفته شده و سوای بدعتی که در زمان خود در نثر فارسی پدید آورده، از نظر زیبایی شناختی، از آثار برجسته ادبیات مثنوی ایران است. ( شماره ۳). در نهایت عینی گرایی همینگوی و دقت او بر کشاندن بار احساسی نوشته ها به لایه های درونی، مشهور تر از آن است که نیاز به تکرار داشته باشد. چوبک در داستان هایی مانند عدل و آخر شب، کاملاً به شیوه همینگوی نوشته است. نمونه ای که ذکر گردید ( شماره ۴)، در واقع احساسی ترین بخش داستان عدل است. ملاحظه می شود که کاملاً عینی و بدون از هرگونه حس برانگیزی ظاهری نوشته شده است. این داستان از تاثیرگذارترین و به یادماندنی ترین داستان های چوبک است که عمده تاثیر آن مدیون بکارگیری همین شیوه است.

چنانکه ذکر گردید، خواننده آگاه و بخصوص کارشناس ادبیات داستانی یا نویسنده حرفه ای، بدون ذکر این ادله و براهین نیز با مطالعه آثار چوبک، می تواند رد پای همینگوی را به طور عیان در داستان های او مشاهده کند. آنچه در سطور آتی خواهد آمد، برخی وجوه اشتراک و افتراق داستان های دو نویسنده است. جای تعجب دارد که علیرغم تاثیر پذیری چوبک از همینگوی و علیرغم اشتها دو نویسنده در جهان و ایران، تا کنون مقایسه شایسته ای از این دست صورت نپذیرفته است. مقایسه ای که صرفاً به همین مقوله اختصاص داشته باشد و بتوان بر مبنای آن وارد جزییات گردید. لاجرم این بررسی کلیات را در بر می گیرد و جزییات را تا آنجا مد نظر قرار می دهد که چهارچوب مقاله از نظر محتوا و بخصوص حجم حفظ گردد. به طور بدیهی مطالب زیادی باقی خواهد ماند که اگر این سنخ مقالات ادامه داشته باشند در مقالات بعدی به تدریج به آن ها پرداخته خواهد شد.

## پی نوشت

۱- بی تردید هنوز هم یکی از بهترین و کاملترین نوشته ها در مورد زندگی و آثار همینگوی به زبان فارسی، مقدمه نجف دریا بندری بر کتاب پیرمرد و دریاست. اخیرا کتابی توسط گلشیری منتشر گردیده است که واجد مقدمه کاملی در خصوص زندگی ( و نه آثار و اندیشه ) همینگوی می باشد. در مورد صادق چوبک، یکی از کاملترین منابع، قصه نویسی تالیف رضا براهنی است. این هر سه در منابع آمده است.

۲ رجوع شود به مقدمه پیرمرد و دریا

۳ رجوع شود به ارنست همینگوی و از پا نیفتاده در داستان کوتاه، جادویی که از نو باید بدان نگریست.

۴ یکی از کاملترین منابع در این زمینه قصه نویسی تالیف رضا براهنی است. منتهی ایشان در بررسی و تحلیل داستان های چوبک، فقط اشاراتی گذرا به همینگوی داشته اند و تقریبا در هیچ مورد به بررسی کالبد شکافانه آثار همینگوی پرداخته اند. رجوع شود به قصه نویسی، تالیف رضا براهنی.

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

## منابع

- براهنی رضا ( ۱۳۶۲ ) قصه نویسی، چاپ سوم، نشر نو
- چوبک، صادق (۱۳۷۷) تنگسیر، چاپ ششم، انتشارات جاویدان
- چوبک، صادق ( ۱۳۷۸ ) داستان های برگزیده، گزینش و تحلیل روح اله مهدی پور عمرانی، چاپ سوم، نشر روزگار
- چوبک، صادق ( ۱۳۸۷ ) گزیده داستان ها، داستانکده، خانه داستان صادق چوبک،  
<http://aliaram.com>
- شکروی، شادمان و حسنعلی عباسپور (۱۳۸۲) داستان کوتاه جادویی که از نو باید بدان نگریم، چاپ اول، نشر فره
- شکروی، شادمان (۱۳۸۴) چخوف و ایونچ تحولی در پرداخت یک مضمون ساده. گلستانه. شماره ۶۸، صفحات ۷۵-۷۱
- شکروی، شادمان (۱۳۸۵)، مروری بر زندگی و آثار ایساک بابل، گلستانه، شماره ۷۴. صفحات ۶۸-۶۰
- شکروی، شادمان (۱۳۸۶)، الگوهای حذف و گزینش در داستان کوتاه مدرن، گلستانه سال هفتم شماره ۸۱، صفحات ۴۸-۵۵
- شکروی، شادمان (۱۳۸۶)، چخوف و جسارت نوشتن داستان های کوتاه دشوار، گلستانه شماره ۸۲، صفحات ۵۲-۶۲
- شکروی، شادمان ( ۱۳۸۶ )، روایت جاودان پروانه ها و تانک ها، یادداشتی در مورد داستان های همپنگوی از جنگ های داخلی اسپانیا، گلستانه، سال هفتم، شماره ۸۳ صفحات ۴۶-۳۷
- شکروی، شادمان و افسانه صحتی (۱۳۸۷)، مقایسه وجوه اشتراک و افتراق داستان های کوتاه آنتوان چخوف و صادق هدایت، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۶ صفحات ۳۱۳-۳۳۰
- گلشیری، احمد ( ۱۳۸۴ )، ارنست میلر همپنگوی، بهترین داستان ها، چاپ اول، انتشارات نگاه،

عباسپور اسفندن، حسنعلی و شادمان شکروی (۱۳۸۷)، بررسی داستان رستم و اسفندیار با نگاهی به اصول داستان نویسی مدرن، گزارش طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان مارکز، گابریل گارسیا(۱۳۶۴)، بوی درخت گویاو ترجمه لیلی گلستان و صفیه روحی، چاپ اول نشر نو

مدرس صادقی جعفر (۱۳۷۱)، لاتاری چخوف و داستانهای دیگر، چاپ اول، نشر مرکز

نوروزیان مسعود، شکروی شادمان و افسانه صحتی (۱۳۸۶)، هنر شروع داستان در حکایات سعدی و داستان های کوتاه غرب پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره هفتم پاییز و زمستان، صفحات ۵۹-۳۵

همینگوی، ارنست (۱۳۵۵) از پا نیفتاده، ترجمه سیروس طاهباز، چاپ دوم، انتشارات مروارید

همینگوی، ارنست (۱۳۶۴) پروانه و تانگ، ترجمه رضا قیصریه، چاپ اول، انتشارات شرکت تهران فاریاب

همینگوی، ارنست (۱۳۶۳) پیرمرد و دریا، ترجمه نجف دریابندری، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

همینگوی، ارنست (۱۳۶۹)، جشن بیکران ترجمه فرهاد غبرایی، چاپ اول، ناشر مولف

همینگوی، ارنست (۱۳۵۰) وداع با اسلحه، ترجمه نجف دریابندری، چاپ ششم، شرکت سهامی

کتاب های جیبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

Norouzian Masoud and Shadman Shokravi(۲۰۰۳), Mathematical Patterns In Analysis Of Psychological Development Of A. Chekhov In "The Bishop" And "The Lady With The Dog". Proceeding of International Conference of Short Fiction, Theory and Criticism Salamanca Spain.

Shokravi Shadman and Masuod Norouzian(۲۰۰۴), Analysis of Technical Developments of A.Chekhov in His Famous Short Stories, ۲۷<sup>th</sup> International Conference of Literature and Psychology, Arles France.

Shokravi Shadman and Masuod Norouzian Short Story and  
Mathematics <http://www.perlit.com>



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱





انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱